

## بررسی روش شناختی پایان نامه‌های دوره دکتری علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

دکتر قاسم افتخاری\*

### چکیده

بررسی روش‌شناختی پژوهش‌های علمی، هدف نهایی بحث اینجانب در این مقاله می‌باشد که نیازمند توضیح دو نکته در آغاز کار است: منظور از بررسی روش‌شناختی، بررسی روش‌های به‌کاررفته در این پژوهش‌هاست و جنبه روش‌شناختی دارد نه محتوایی. دوم اینکه این بررسی با دید نقادی یا آسیب‌شناسانه صورت گرفته و به‌دوری انجامیده است. ملاک به‌کاررفته در این نقد و ارزیابی اصول روش پژوهش علمی و چگونگی کاربری آن در این پایان‌نامه‌هاست و از این رو توضیح کوتاهی در مورد چگونگی کاربری روش علمی در پژوهش پدیده‌های سیاسی و بین‌المللی به‌عنوان ملاک ارزیابی، لازم است. اما هدف نهایی فراتر از ارزیابی این پایان‌نامه‌ها بوده و در پی آن است تا ملاکی برای ارزیابی کارهای پژوهشی در علوم اجتماعی به‌طور کلی و به‌ویژه در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل ارائه دهد و تا حد ممکن این داوری‌ها را بر اصولی استوار سازد و از ذهن‌گرایی و سلیقه‌محوری جلوگیری نماید. نویسنده بر این باور است اشاره کوتاهی به انگیزه و پیشینه داوری در پژوهش‌های علمی می‌تواند به‌فهم بهتر این بحث یاری نماید.

از سالیان دور به‌ویژه در پی انقلاب صنعتی برای اطمینان از کیفیت کالاهای تولید شده، روالی به نام کنترل کیفیت<sup>۱</sup> برقرار گردید. بعد از آنکه فرآورده علمی نیز به‌عنوان کالای فرهنگی به‌شمار آمد، چگونگی کنترل کیفیت آنها نیز مطرح شد. از آنجا که

\* دانشیار دانشگاه تهران

تولید کالاهای علمی از طریق پژوهش صورت می‌گیرد، برای کنترل پژوهش‌ها، روش ارزیابی یا داوری<sup>۱</sup> درپیش گرفته شد؛ آن‌هم بدین معنی که کارهای پژوهشی را پیش از چاپ و پخش در اختیار افراد متخصص قرار می‌دهند تا درباره آنها داوری کنند. این روال در جامعه علمی ایران نیز از مدتی پیش رواج یافته است. از آنجا که داوری یعنی قضاوت اما معلوم نیست این قضاوت بر پایه چه ملاکی صورت می‌گیرد، به نظر می‌رسد عموماً به علم قاضی تکیه می‌شود؛ روالی که پیش از انقلاب مشروطه در امور قضایی ایران به کار بسته می‌شد. البته این روال قضاوت در گذشته‌های دور در سرزمین‌های دیگر نیز معمول بود اما معلوم شد صرف‌نظر از کمیت و کیفیت علم قاضی، قضاوت او می‌تواند نادرست و غیرعادلانه باشد؛ اساساً به پاس اطمینان از عدلانه و بی‌طرفانه بودن قضاوت بود که قوانین را تدوین و قضاوت را بر اصولی استوار می‌ساختند.

با در نظر گرفتن اینکه پژوهش علمی، یا روال تولید کالای علم، خود دارای اصول و قواعد شناخته شده‌ای است و به راحتی می‌تواند جانشین علم داور در مقام قضاوت درباره پژوهش‌های علمی باشد، در این نوشته، قواعد و اصول بنیادی پژوهش علمی به شکل بسیار فشرده بیان شده به امید اینکه به عنوان ملاکی در داوری‌های علمی - به ویژه در پژوهش‌های سیاسی - مورد توجه داوران قرار بگیرد. البته درباره روش پژوهش علمی اختلاف نظر زیادی وجود دارد اما اصول بنیادی آن از قبیل مشاهده واقعیت، تلاش برای فهم آن، گردآوری داده‌ها و ارزیابی نتیجه این تلاش، عملاً در هر پژوهشی رعایت می‌گردد و بدین ترتیب حداقل عامل مشترکی است که می‌تواند به عنوان ملاک داوری به کار رود و هدف اصلی این پژوهش را برآورده سازد.

**کلیدواژه‌ها:** تحقیق علمی، پژوهش، روش‌شناسی، روش تحقیق. روش تحقیق در علوم سیاسی.

در سرآغاز سخن درباره روش پژوهش، باید دو معنای متفاوت واژه «روش» را روشن کنیم، یک معنا بر مجموعه‌ای از قواعد گفته می‌شود که برای یاددادن و یادگرفتن دانسته‌های موجود در یک رشته از دانش‌ها به کار بسته می‌شود. روش را در این معنا می‌توان به سادگی روش آموزش هم نامید، هر یک از دانش‌ها بنابه سرشت خود و پدیده مورد نظر، دارای روش آموزش ویژه خود می‌باشند. با روش

جامعه‌شناسی نمی‌توان ریاضیات یاد گرفت. روش به این معنا برای توزیع دانسته‌های موجود به‌کار رفته و کار سوداگران دانش را آسان می‌کند. سوداگران معمولاً کالایی تولید نمی‌کنند بلکه تولیدات دیگران را توزیع می‌کنند. با توجه به اینکه همه تولیدات انسان را می‌توان به دو بخش فکری و مادی تقسیم کرد، کالای فکری نیز مانند کالای مادی اساساً برای استفاده دیگران تولید می‌شود و نیاز به توزیع دارد. اما هر کالایی قبل از توزیع، باید تولید شود. این اصل در مورد کالاهای فکری نیز صادق است و از این رو می‌توان گفت به تعداد رشته‌های علمی روش‌هایی برای توزیع (یا آموزش) آنها وجود دارد. روشن است سوداگران دانش نیز مانند سوداگران کالاهای مادی، تنها آنچه را که هست، توزیع می‌کنند. بنابراین، کار آموزگار، دبیر، استاد، نویسندگان یا آموزش‌دهندگان به‌طورکلی آموزش دادن یا اساساً سوادگری یعنی توزیع کالاهای فکری موجود یا کالاهایی است که پیشاپیش تولید شده‌اند.

در کنار توزیع یا سوادگری دانش آنچه اهمیت بنیادی دارد و لازمه توزیع است، تولید دانش یا اضافه کردن چیزی بر مجموعه دانش انسان درباره هستی است که از اصول و قواعد عامی پیروی می‌کند و روش پژوهش نامیده می‌شود. هدف روش پژوهش، تولید دانش تازه یا بهتر کردن دانسته‌های موجود انسان است و این کار را مانند تولید هر کالای دیگر از طریق استفاده از مواد یا مطالب موجود انجام می‌دهد. در قلمروها یا مناطق معرفتی، انسان برای تولید دانش تازه روش‌های متفاوتی به‌کار بسته می‌شود مانند روش فلسفی، دینی، تاریخی، درون‌کاوی و علمی.

بنابراین روش علمی تنها یکی از این روش‌هاست که روش پژوهش علمی نامیده می‌شود. دانش علمی خود به هزاران رشته تقسیم می‌گردد و هر رشته چهره خاصی از واقعیت را مورد مطالعه یا پژوهش قرار می‌دهد. به‌رغم گوناگونی بی‌شمار رشته‌های علمی و روش‌های آموزش آنها، روش پژوهش علمی مجموعه‌ای از اصول و ضوابطی است که در تمام رشته‌های علمی کاربرد دارد. به‌سخن دیگر، علم از وحدت روش پژوهش برخوردار است و ویژگی دانش علمی نیز از این وحدت روش سرچشمه می‌گیرد. انسان می‌تواند هر پدیده مانند پدیده سیاسی را با روش دینی، فلسفی، تاریخی و علمی مورد مطالعه و بررسی قرار دهد اما دانش حاصل، فقه سیاسی، فلسفه سیاسی، تاریخ سیاسی، یا علوم سیاسی خواهد بود؛ یعنی به‌رغم یکسان بودن موضوع پژوهش، کاربرد روش‌های متفاوت به پیدایی دانش‌های متفاوت از آن

موضوع می‌انجامد. بنابراین واژه «علمی» بیانگر محتوای واقعیت مورد مطالعه نیست بلکه بیانگر روشی است که در پژوهش آن به کار رفته است. به دیگر سخن، دانش علمی ویژگی خود را از روش می‌گیرد نه از محتوا. مطالعه هر پدیده جهان با روش علمی دانشی به دست می‌دهد که علم آن پدیده نامیده می‌شود. از اینجاست که واژه «علم» به عنوان صفت مشترک همه این دانش‌ها در جلوی نام آنها تکرار می‌شود. از طرف دیگر، میزان اعتبار یا روایی هر دانش بسته به میزان اعتبار و دقت روشی است که در دستیابی به آن به کار رفته است. روش به عنوان ملاک ارزیابی یا داوری درباره دانش‌ها یا دانسته‌های انسان نیز به کار بسته می‌شود. افزون بر این، روش پژوهش نقش لکوموتیو قطار علم را نیز بازی می‌کند. در نتیجه علم تا آنجا می‌تواند پیش رود که سرشت و توان روش پژوهش اجازه می‌دهد. از این رو بسیاری از محدودیت‌ها و کمبودهای دانش در هر زمان از کمبودهای روش‌های به کار رفته سرچشمه می‌گیرد. به دلیل کمبودهای روش علمی است که دانش علمی نمی‌تواند قطعی و یقینی باشد. پس می‌توان گفت روش پژوهش علمی ۳ کار بسیار بزرگ انجام می‌دهد که عبارتند از: ۱- تولید دانش، ۲- ارزیابی دانش تولید شده و ۳- تعیین حدود پیشرفت دانش در هر زمان. البته رابطه علم و روش علمی دوسویه یا در واقع دیالتیکی است. همچنان‌که روش پژوهش، علم را پیش می‌برد یافته‌های علمی نیز اندیشه‌ها و ابزارهایی در اختیار روش پژوهش قرار می‌دهد و آن را قادر می‌سازد قطار علم را تا فاصله دیگری پیش برد. پس نه روش پژوهش علمی و نه علم، پدیده قطعی و ثابتی نیستند؛ هر دو همواره در حال پیشرفت و تکامل‌اند. روش پژوهش علمی در سرشت خود، در صدد اثبات یا رد قطعی پدیده‌ای نیست، تنها یک نقشه راه است که با پیمودن آن انسان می‌تواند به کمیت و کیفیت دانسته‌های خود چیزی بیفزاید، در این راه، تنها چند علامت راهنما به نام اصول عمومی روش پژوهش علمی نصب شده است. پیش از پرداختن به این علائم، توضیح کوتاهی در مورد دو روش علمی رقیب یعنی روش کیفی و روش کمی لازم است.

روش کیفی پژوهش علمی یکی از دو روش مهم و رایجی است که تنها در پژوهش‌های اجتماعی کاربرد دارد. هدف این روش فهم عمیق پدیده‌های اجتماعی از طریق گردآوری داده‌ها و رده بندی آنها به صورت الگوهای رفتاری است (۱). در دهه‌های نخستین سده بیستم با رونق گرفتن روش اثبات‌گرایی، روش کیفی به کلی

به‌حاشیه رانده شد اما پس از نوشته‌ها و اندیشه‌های افرادی چون کارل مانهایم و زیگموند فروید، روش کیفی در حاشیه روش‌های قابل قبول علمی خودنمایی کرد و در دهه هفتاد به‌عنوان روش علمی معتبری شناخته شد. قبل از این تاریخ، روش کیفی با نام‌های گوناگونی در برخی از پژوهش‌های اجتماعی به‌کار می‌رفت مانند روش انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی، قوم‌نگاری، پژوهش میدانی، مشاهده همراه با مشارکت، یا مکتب جامعه‌شناسی شیکاگو و بالاخره معناکاوی یا هر منوتیکس. در دهه‌های هفتاد و هشتاد، روش کیفی در بسیاری از رشته‌های فرعی جامعه‌شناسی کاربرد پیدا کرد. بعداز تحمل انتقادهای گسترده از سوی طرفداران روش کمی، روش کیفی به بازسازی خود پرداخت و در دهه نود با ارائه تکنیک‌های جدید وارد میدان شد تا بتواند در برابر انتقاد از ضعف روایی و تحلیل‌های غیردقیق خود از داده‌ها، مقاومت کند(۲).

تفاوت اساسی میان روش‌های کیفی و کمی توصیفی بودن اولی و تبیینی بودن دومی می‌باشد. داده‌ها ذاتاً کمی نیستند و می‌توانند تکه پاره‌هایی از هر چیزی باشند و لزومی ندارد حتماً به‌یاری اعداد بیان شوند. بنابراین در روش کیفی نیازی به تدوین جدول‌های توزیع بسامد و احتمالات نیست. داده‌ها می‌توانند از طریق واژه‌ها، ایماواشاره، حتی آهنگ صدا یا علائم و رموز دیگر به‌دست آیند. این داده‌ها می‌توانند واقعیات را به‌صورت نمادین و جامعه‌شناسانه بیان کنند. اگر مردم به واقعی بودن امری باور داشته باشند آن امر به‌مانند یک واقعیت اثر خواهد داشت. روش پژوهش کیفی بر آن است که بدون استفاده از منطق ساختگی، به واقعیت دست یابد. به سخن دیگر، به کیفیت، معنا، متن یا تصور واقعیت از طریق مشاهده عمل انسان‌ها و از راه گفتار آنها، پی ببرد. روش کیفی در عمل از منطق نابسامانی پیروی می‌کند. ازاین‌رو پیروان روش کیفی مدعی هستند قواعد گام‌به‌گام پژوهش وجود ندارد و پژوهشگر مجبور نیست از روش‌ها، قواعد، واژه‌ها و رویه‌های پیش ساخته‌ای بهره برد تا کار پژوهشی خود را تمیز و آراسته جلوه‌گر سازد.

تعریف دقیق پژوهش کیفی بسیار دشوار است زیرا این روش از واژگان رایج در علوم استفاده نمی‌کند. تنها می‌توان گفت روش پژوهش کیفی روشی است که برای گردآوری و تحلیل داده‌هایی به‌کار می‌رود که کمی نیستند. برخی گفته‌اند روش کیفی به کیفیت یعنی جوهره و پیرامون پدیده مورد بررسی توجه و تمرکز دارد و دراساس

یک روش ذهنی است که در آن، پژوهشگر کار ابزار پژوهش و سنجش را انجام می‌دهد. صرفنظر از تعریف‌های گوناگون، هدف پژوهش کیفی دستیابی به ژرفای واقعیات اجتماعی است (۳).

روش کیفی جنبه اکتشافی دارد و در پی آن است که بدون تکیه بر تئوری‌های جاافتاده، فهم پژوهشگر را به ساختار واقعیات اجتماعی نزدیک‌تر سازد و می‌کوشد این کار را از طریق برخورد و تعامل با واقعیت و با فکر باز انجام دهد. فکر باز لازمه تجربه کردن و آموختن از تجربه است. پژوهشگر کیفی واقعیت اجتماعی را مورد عمل و ارزیابی قرار می‌دهد و از این طریق میان خود و واقعیت اجتماعی ارتباطی برقرار می‌سازد تا به فهم عمیق واقعیت دست یابد. برخلاف پژوهش کمی که در پی یافتن ارتباط میان پدیده‌هاست پژوهشگر کیفی در تلاش است میان خود و پدیده رابطه برقرار کند؛ روش کیفی در واقع از نوعی منطق دیالکتیک بهره می‌برد.

کاربست روش کیفی عملاً جنبه آزمونی پیدا می‌کند. یعنی تعامل میان پژوهشگر و موضوع پژوهش و مشاهده پیامدهای آن. در جریان تعامل با واقعیت ساختار، فهم پژوهشگر از موضوع پژوهش همواره در حال دگرگونی و بازسازی است. این امر اساس همین جریان تئوری‌سازی است. به راحتی می‌توان گفت روش کیفی نیز از آزمون استفاده می‌کند و تنها تفاوت آن با روش کمی در این مورد، عدم دستکاری واقعیت به وسیله پژوهشگر است. از سوی دیگر، روش کیفی نیز مانند روش کمی در پی فهم ساختار روابط است نه ساختار خود پدیده. روش کیفی سخت مورد پسند پسانوگرایان بوده است آنهم به این دلیل که به اندیشه غیرمنطقی و فردگرایی روش‌شناختی بها می‌دهد و با این گفته پل فیرابند که: «هر جوری می‌توان تحقیق کرد» (۴) سازگار است.

پشتیبانی فرانوگرایان به ویژه سازه‌انگاران از روش پژوهش کیفی از یک سو و پافشاری آنها بر این اصل بنیادی که ساختار اجتماعی فرآورده اندیشه خود پژوهشگر است، آنها را با معمایی روبرو می‌سازد؛ چرا که اگر بپذیریم ساختار اجتماعی فرآورده اندیشه خود پژوهشگر است، دیگر دلیلی برای جستجوی واقعیت اجتماعی باقی نمی‌ماند. واقعیت بر ساخته پژوهشگر و واقعیت اجتماعی، هیچ‌یک نمی‌توانند یکی باشند. یک راه‌رهایی از این دشواری، روش کیفی تصور پژوهشگر به عنوان یک هستی اجتماعی است که ساختارسازی آن به وسیله واقعیات اجتماعی تعیین می‌گردد.

بنابراین پذیرش عنیت واقعیت اجتماعی شرط لازم برای جستجوی پدیده‌های اجتماعی از جمله ساختار اجتماعی است. فرانوگرایان برآنند که در جریان پژوهش، عین یا واقعیت بی‌اراده و بی‌حرکت است و نقشی در پیدایی دانش ندارد؛ واقعیت و دانش مربوط به آن را ذهن می‌سازد ولی بی‌اراده و بی‌حرکت بودن عین به معنی بی‌اثر بودن آن در رابطه عین و ذهن نیست. هیچ چوبی نمی‌تواند خود را تبدیل به میز کند، از طرف دیگر هیچ نجاری هم نمی‌تواند از هیچ، میز بسازد، نجار چوب را در اختیار می‌گیرد و برای تبدیل آن به میز، مهارت اولیه -که خود نتیجه تجربه او در ساختن میز در زمان‌های گذشته است- تاریخ تکامل ابزار نجاری، منطق نجار در کاربرد ابزار و مفهوم میز به کار می‌افتد و در جریان ساختن میز، عین یا چوب بی تفاوت می‌ماند زیرا نمی‌تواند در آنچه ساخته می‌شود تصمیم بگیرد ولی می‌تواند نشان دهد چه چیزهایی را می‌توان یا نمی‌توان از چوب ساخت. استحکام، ابزار مناسب و مهارت مناسب را چوب تعیین می‌کند. نجار تنها در چارچوب سرشت و ویژگی‌های چوب، آزادی عمل دارد و چوب را نمی‌تواند در اندیشه خود بسازد(۵)، بنابراین رد تجربه‌گرایی ناب لازمه امکان پی بردن به دوری یا نزدیکی فهم ما از واقعیت به خود واقعیت نیست. رابطه میان فهم مؤثر واقعیت و خود واقعیت، عامل بسیار مهمی در زندگی طبیعی و اجتماعی است. اینکه فهم پژوهشگر از موضوع پژوهش در جریان پژوهش دگرگون می‌شود به هیچ وجه به این معنا نیست که واقعیت در ذهن تحلیل می‌رود یا برتری ذهن بر عین ثابت می‌شود. بدین سان در روش کیفی جهت پیدا کردن راه‌هایی که اجازه می‌دهد روابط اجتماعی برقرار شده در جریان پژوهش، فهم پژوهشگر از موضوع پژوهش را تعیین کند، کوشش می‌شود.

روش کمی، برخلاف روش کیفی، به بررسی بُعد کمی پدیده‌ها و روابط میان آنها می‌پردازد. این روش را می‌توان در بررسی پدیده‌های طبیعی و همچنین در بسیاری از پدیده‌های اجتماعی به کار بست. هدف پژوهش کمی فهم و درک روابط میان پدیده‌های جهان از طریق ساختن و پرداختن فرضیه‌ها، مدل‌ها، قوانین و تئوری‌ها و کاربرد آنهاست. روش کمی که به‌ویژه به روش پژوهش علمی مشهور است، براین پیش فرض استوار می‌باشد که هستی یک کل به‌سامان است و تمام اجزای این کل در ارتباط با یکدیگرند و از طریق این ارتباط بر یکدیگر اثر گذاشته و سبب پیدایی پدیده‌های دیگر می‌شوند، بنابراین رخداد هر امر یا پدیده‌ای، پیامد روابط و اثرگذاری

پدیده‌ها بر یکدیگر است و هدف اصلی پژوهش کمی کشف این روابط می باشد (۶). در این روش برای پی بردن به روابط میان دو پدیده مانند X و Y تنها یک راه وجود دارد و آن عبارت است از تغییر دادن یکی و مشاهده دیگری. اگر این مشاهده تغییری در دیگری را نشان دهد می توان نتیجه گرفت میان آن پدیده‌ها ارتباط موثر و معناداری وجود دارد و در غیر این صورت می توان حکم به نبود ارتباط میان آن دو داد. برای کاربرد این روش چند شرط اساسی وجود دارد: نخست آنکه، هر دو پدیده X و Y باید تغییرپذیر یا متغیر باشند، از اینجا می توان نتیجه گرفت در صورت وجود پدیده‌های تغییرناپذیر، این روش را نمی توان درباره آنها به کار برد. شرط دوم آنکه، هر دو پدیده باید سنجش پذیر یا اندازه پذیر باشند زیرا تنها از راه سنجش می توان پی برد پدیده‌ای تغییر کرده است یا نه و شرط سوم آنکه، نتیجه سنجش باید به یاری اعداد بیان شود. از اینجا است که می گویند کمی کردن، سنجش را امکان پذیر می سازد. پژوهشگر از طریق سنجش به تغییر پی می برد و از طریق تغییر نیز ارتباط میان پدیده‌ها معلوم یا کشف می شود. ارتباط کشف شده هنگامی که به صورت گزاره‌ای بیان گردد، قانون نامیده می شود، تنها به یاری قانون می توان هستی و رفتار پدیده‌ها را تبیین و پیشگویی نمود. بنابراین هدف نهایی پژوهش کمی، کشف قوانین حاکم بر رفتار پدیده‌هاست نه توصیف مفصل خود پدیده‌ها (۷) پژوهش کمی، ضوابط و ظرایف بسیار منظم و دقیقی دارد که باید در طراحی پژوهش علمی رعایت گردد. چگونگی طراحی برای کاربری روش‌های کمی و کیفی در پژوهش‌های علمی در چهارچوب این نوشته نمی گنجد. تنها می توانیم برای کمک به درک شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو روش، جدولی به صورت نمودار مقایسه‌ای ارائه دهیم.

جدول شماره ۱: مقایسه شیوه‌های کاربری روش‌های کیفی و کمی در پژوهش پدیده‌های سیاسی

گام‌های مشترک	
۱- گزینش موضوع پژوهش	
۲- بیان مسئله پژوهش	
۳- بررسی ادبیات نظرات موجود	
۴- تعیین هدف پژوهش و حدود آن	



## تفاوت‌ها

شیوه روش کیفی	شیوه روش کمی
<p>۵- متغیرها در جریان تجزیه داده‌ها خودنمایی می‌کند، از قبل شناسایی نمی‌شوند.</p> <p>۶- ارائه نظریه براساس متغیرهای شناسایی شده در جریان تجزیه و تحلیل داده‌ها</p> <p>۷- تلاش برای فهم سرشت وحدت گرای اجزاء به جای ارائه پیشاپیش فرضیه</p> <p>۸- تلاش برای فهم روندهای پویا برای رسیدن به فهم بهتر به جای پیشگویی</p> <p>۹- پژوهشگر خود میزان و معیار فهم واقعیت است (ذهن پژوهشگر امری را تأیید یا رد می‌کند - ذهن‌گرایی)</p> <p>الف- رابطه خود پژوهشگر با موضوع پژوهش مطرح می‌شود</p> <p>ب- ارائه فرضیه بدون تلاش برای آزمون آن</p> <p>پ - مشاهده پدیده در حالت طبیعی آن و بدون اعمال کنترل</p> <p>ت - متغیرها دستکاری نمی‌شوند تنها در حالت طبیعی مورد مشاهده قرار می‌گیرند</p> <p>ث - توصیف خود پدیده، موردنظر است، نه توصیف تغییر آن</p> <p>۱۰- استفاده از فهم حاصل از تجزیه و رده‌بندی داده‌ها به عنوان وسیله‌ای برای فهم بهتر و عمیق‌تر پدیده مورد نظر.</p> <p>۱۱- تجزیه و تحلیل در روش کیفی مانند برداشتن مرتب قشرهای پیاز برای رسیدن به مغز آن می‌باشد.</p> <p>۱۲- مغز پدیده‌های اجتماعی همان باورها، سنت‌ها و گرایش‌های انسان است که سرچشمه عمل انسانی و در نتیجه پدیده‌های اجتماعی است و این پدیده‌های اجتماعی عموماً به صورت رفتار و گفتار هستند که مورد توجه مکتب‌های رفتارگرایی (behaviorism) و گفتارگرایی (discoursism) می‌باشد که با هم دو مفهوم متن (text) و محیط یا زمینه (context) را در گفتمان پسانوگرایی به وجود می‌آورند.</p>	<p>۵- شناسایی متغیرهای دخیل در مرحله تدوین طرح</p> <p>۶- ارائه نظریه براساس متغیرها شناسایی شده در مرحله تدوین طرح</p> <p>۷- تبدیل نظریه به فرضیه</p> <p>۸- تعیین و پیشگویی فرضیه</p> <p>۹- آزمون فرضیه</p> <p>الف- تعیین نوع رابطه میان متغیرهای مستقل و وابسته</p> <p>ب- تعریف عملی فرضیه و تعیین شاخص‌های متغیرهای فرضیه</p> <p>پ- تعیین روش کنترل متغیرها</p> <p>(۱) با روش آزمایشگاهی</p> <p>(۲) با روش آزمایشی</p> <p>(۳) با روش آزمایش مانند</p> <p>(۴) با روش مقایسه‌ای</p> <p>ت- دستکاری متغیر مستقل</p> <p>ث - مشاهده شاخص‌های متغیر وابسته به منظور پی بردن به دگرگونی احتمالی آنها</p> <p>۱۰- گردآوری داده‌ها (عموماً از طریق نمونه‌برداری)</p> <p>۱۱- تجزیه و تحلیل داده‌ها به یاری اعداد و ارقام</p> <p>۱۲- تفسیر و نتیجه‌گیری از آنچه داده‌ها نشان می‌دهند.</p>

می‌توان تفاوت‌های این دو روش پژوهش را به‌صورت زیر خلاصه کرد:

۱- روش کمی در سرشت خود پویاست؛ به دنبال پی‌بردن و توصیف کردن روابط میان پدیده‌ها از طریق مشاهده دگرگونی می‌باشد؛ درحالی‌که روش کیفی در پی توصیف خود پدیده موردنظر است نه در پی تأیید یا رد ارتباط آن با پدیده‌ای دیگر. برای توصیف دقیق هر پدیده باید زمان یا دگرگونی را متوقف کرد تا دگرگونی سبب نادرست بودن توصیف نگردد و ازاین‌رو روش کیفی در سرشت خود روشی ایستاست.

۲- پژوهشگر کمی، قبل از آغاز کار برنامه یا طرحی برای انجام پژوهش دارد و راه خود به سوی هدف را براساس آن طرح یا نقشه راه انجام می‌دهد، درحالی‌که پژوهشگر کیفی تنها قصد مشاهده واقعیت، بدون ارائه پیشاپیش هر نظریه یا ضوابطی را دارد تا از این طریق دانشی از پدیده مورد نظر به‌دست آورد. درواقع، تنها برنامه ساده‌ای برای مشاهده واقعیت موردنظر در اختیار دارد.

۳- در روش کمی، نظریه و فرضیه قبل از گردآوری داده ارائه می‌گردد درحالی‌که در روش کیفی، نظریه و فرضیه بعد از گردآوری و تحلیل داده‌ها خودنمایی می‌کند.

۴- پژوهش کمی در پی تأیید یا رد فرضیه‌هاست تا بتواند قانونی را کشف کند و به یاری آن قانون، رفتار نوعی پدیده‌های مورد نظر را تبیین یا پیشگویی کند؛ درحالی‌که روش کیفی به دنبال فهم عمیق پدیده مورد نظر است، نه کشف قانون حاکم بر رفتار نوعی پدیده‌ها.

۵- اگر تبیین و پیشگویی رفتار پدیده‌های طبیعی را تنها از طریق کشف قوانین مربوطه ممکن بدانیم و تبیین و پیشگویی رفتار انسان را از طریق فهم عمیق باورها، ارزش‌ها و گرایش‌های او تلقی کنیم می‌توانیم بگوییم روش کیفی مناسب‌ترین روش برای مطالعه پدیده‌های اجتماعی است ولی در نیمه‌راه متوقف می‌شود و به قانون نمی‌رسد. درحالی‌که روش کمی رامی‌توان در هر دو زمینه طبیعی و اجتماعی به‌کار برد.

پس از شناسایی قواعد پژوهش علمی این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان این روش را در پژوهش پدیده‌های سیاسی به‌کار برد؟ برای دادن پاسخ مثبت به این پرسش، پذیرش یک پیش‌فرض لازم است و آن اینکه رفتار سیاسی انسان‌ها از منطق ابزاری پیروی می‌کند. با توجه به پی‌آمدهای مهم عمل سیاسی، بازیگران صحنه

سیاست پیش از دست زدن به هر اقدام سیاسی پی‌آمدهای منفی یا مثبت آن را در نظر می‌گیرند و در واقع سود و زیان آن را به نحوی محاسبه می‌کنند و تنها زمانی دست به عمل می‌زنند که براساس محاسبه خود آنها سود قابل تصور بیش از زیان آن باشد یا به عبارت دیگر منافع به دست آمده از هزینه‌های آن به طور چشمگیری بیشتر باشد. البته هرگونه محاسبه از جمله محاسبه سیاسی می‌تواند کاملاً نادرست باشد اما این امر خدشه‌ای به اصل محاسبه‌گری نمی‌زند. سیاستمداران با در دست داشتن برترین اقتدار و قدرت سیاسی در یک جامعه که معمولاً با در نظر گرفتن منافع عمومی آن جامعه است دست به عمل می‌زنند که عمل سیاسی نامیده می‌شود. عمل سیاسی، پدیده‌های سیاسی را به وجود می‌آورد و از مطالعه پدیده‌های سیاسی با کاربست روش علمی دانشی به دست می‌آید که علم یا علوم سیاسی نامیده می‌شود. مشاهده، اساس روش علمی است. پدیده نیز به هر امر یا واقعیتی گفته می‌شود که مشاهده‌پذیر باشد و اگر دانش هر رشته را حاصل مطالعه پدیده‌های آن رشته با روش علمی بدانیم، باید بپذیریم که پدیده‌های سیاسی را نیز می‌توان با روش علمی بررسی کرد و دانش حاصل از این بررسی را نیز می‌توان علم یا علوم سیاسی نامید. البته کاربست این روش در همه رشته‌ها دشواری‌های خاص خود را دارد و در مطالعه پدیده‌های سیاسی به علت پیچیدگی زیاد و رازآلود بودن بسیاری از اعمال سیاسی، این دشواری افزون‌تر می‌شود. اما این هرگز بدان معنا نیست که روش علمی را نمی‌توان در مطالعه پدیده‌های سیاسی به کار بست.

آنچه به طور بسیار فشرده درباره روش پژوهش علمی و گونه‌های کیفی و کمی آن گفته شد، نشان می‌دهد هر دوی این روش‌ها در پی فهم و درک واقعیت‌ها از طریق مشاهده آنها هستند و تفاوت یا اختلاف آنها اساساً برمی‌گردد به شیوه مشاهده واقعیت و نتیجه‌گیری از آن. اگر افزون بر آنچه درباره روش پژوهش علمی به طور کلی بیان شد، داده‌های جدول مقایسه ای دو روش کمی و کیفی را نیز در نظر بگیریم، در این دو روش پژوهش علمی، ۱۰ عنصر مشترک تشخیص می‌دهیم که عبارتند از:

- ۱- بیان مسئله پژوهش ۲- بررسی ادبیات و نظرات موجود ۳- تعیین و توضیح هدف پژوهش، ۴- تعیین روش مناسب برای مشاهده واقعیت، ۵- کاربست روش تعیین‌شده در گردآوری و تحلیل داده‌ها، ۶- دغدغه اعتبار منابع داده‌ها، ۷- روایی

نتیجه‌گیری از تحلیل داده‌ها، ۸- بیان صریح یافته‌های پژوهش و پیامدهای نظری و عملی آنها، ۹- رعایت ترکیب و تناسب در سازماندهی پژوهش و ۱۰- رعایت قواعد شکلی در تدوین گزارش پژوهش. از این عناصر دهگانه، موارد ۱ تا ۸ و ۷ عناصر روش‌شناختی هستند و عناصر ۶، ۹ و ۱۰ را می‌توان عناصر شکلی یا ساختاری نامید. رعایت همه این عناصر دهگانه در انجام هر نوع پژوهش علمی لازم است و عدم رعایت هر یک از آنها کاستی چشمگیری را در جریان و نتیجه پژوهش به دنبال دارد. همان‌طور که یادآور شدیم، کاربری اصول روش پژوهش عملی نه تنها برای تولید کالای علمی لازم است بلکه به‌عنوان ملاک ارزیابی کالای تولید شده نیز به‌کار می‌رود. براساس این واقعیت، عناصر دهگانه فوق با هم به‌عنوان مقیاس ارزیابی پایان‌نامه‌های دوره دکترای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران به‌کار بسته شده است. نگارنده بر این باور است که این مقیاس را باید در ارزیابی هر پژوهش عملی به‌کار بست.

### کاربست روش پژوهش علمی به‌عنوان مقیاس ارزیابی پایان‌نامه‌های دوره دکترای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

در ارزیابی پایان‌نامه‌های دوره دکترای علوم سیاسی و روابط بین‌الملل دانشگاه تهران، عناصر دهگانه فوق به‌عنوان اجزای مقیاس ارزیابی به‌کار بسته شد. با چشم‌پوشی از وزن نسبی آنها در تعیین کیفیت عمومی پژوهش، برای هر یک از این موارد به‌طور یکسان ارزش عددی صفر تا ۹ در نظر گرفته شده و در نتیجه مقیاس خطی ده درجه ای به‌صورت زیر ترسیم گردید.

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸

این مقیاس در ارزیابی هر یک از عناصر دهگانه ملاک به‌کار بسته شده تا تجزیه و تحلیل کمی ارزیابی‌ها یا داوری‌ها امکان‌پذیر شود. تعیین ارزش عددی برای هر یک از این عناصر در هر یک از پایان‌نامه‌های مورد بررسی بر پایه داوری نویسنده صورت گرفت که طبعاً می‌تواند نادرست باشد اما از آنجا که داوری نویسنده به‌عنوان ابزار سنجش در مورد تمام پایان‌نامه‌های مورد بررسی به‌طور یکسان به‌کار رفته است، براساس اصل پایایی ابزار سنجش، از روایی یا اعتبار لازم برخوردار می‌باشد.

بعد از تعیین روش و ابزار سنجش، تعداد ۱۰ پایان‌نامه دوره دکترای روابط بین‌الملل از میان ۱۲ پایان‌نامه دفاع شده از میان ۲۵ موضوع پایان‌نامه ثبت شده و تعداد ۱۰ پایان‌نامه دوره دکترای علوم سیاسی از میان ۷۰ پایان‌نامه دفاع شده از مجموع ۱۲۰ موضوع ثبت شده تا زمان این بررسی، از طریق نمونه‌برداری تصادفی برگزیده شد تا عملاً یک‌به‌یک مورد بررسی قرار گیرند. بعد از انتخاب این نمونه‌ها معلوم گردید نمرات یا درجات تعیین شده توسط هیئت‌های ژوری برای یک پایان‌نامه در نمونه علوم سیاسی و یک پایان‌نامه در روابط بین‌الملل در دفاتر ثبت نشده است. جهت پاسداری از گویایی و معرف بون نمونه، از حذف یا جابجایی آنها خودداری شد و آن دو پایان‌نامه همچنان در نمونه باقی ماندند. در مواردی که هیئت‌های ژوری داوری خود را تنها به صورت‌های کیفی «خوب»، «بسیار خوب»، «عالی» یا «بسیار عالی» انجام داده بودند، به ترتیب ارزش عددی ۱۸، ۱۸/۵، ۱۹ و ۱۹/۵ در نظر گرفته شد تا به داوری کمی تبدیل بشوند.

داده‌های حاصل از بررسی هریک از این ۲۰ پایان‌نامه در جدول شماره ۲ و در ستون‌های ۱ تا ۱۰ آمده است.

جدول شماره ۲- داده، های بدست آمده از بررسی پایان نامه دوره دکتری روابط بین الملل علوم سیاسی دانشگاه تهران

۱- چگونگی بیان مسئله	۲- بررسی ادبیات موجود	۳- صراحت و حدود هدف	۴- تناسب روش با موضوع	۵- کاربست روش در یادآوری دادهها	۶- اعتبار منابع دادهها	۷- روایی نتیجه گیری از دادهها	۸- یافته‌های پژوهش و دستاوردهای آن	۹- رعایت ترتیب و تناسب در سازماندهی	۱۰- رعایت قواعد شکلی در نگارش گزارش	۱۱- جمع اعداد	۱۲- میانگین	۱۳- نمره داوری ژوری	۱۴- تفاوت
۱	۱۶	۱۰	۸	۸	۱۴	۱۸	۱۴	۱۶	۱۶	۱۳۲	۱۳/۲	معلوم نیست	-
۲	۱۴	۱۴	۱۴	۱۰	۱۸	۱۲	۱۴	۱۶	۱۶	۱۳۸	۱۳/۸	۱۹	۵/۲
۳	۱۳	۱۶	۱۵	۱۲	۱۶	۱۷	۱۶	۱۶	۱۶	۱۵۱	۱۵/۱	۱۹/۵	۴/۴
۴	۱۷	۱۶	۱۵	۱۴	۱۸	۱۲	۱۳	۱۹	۱۹	۱۶۰	۱۶/-	۱۹	۳
۵	۱۰	۷	۱۰	۱۲	۱۶	۸	۱۴	۱۶	۱۶	۱۱۷	۱۱/۷	۱۸/۵	۶/۸
۶	۱۱	۱۱	۱۶	۱۲	۱۷	۱۷	۱۶	۱۷	۱۷	۱۴۸	۱۴/۸	۱۹	۴/۲
۷	۸	۱۱	۱۰	۱۲	۱۶	۱۲	۱۵	۱۶	۱۷	۱۲۷	۱۲/۷	۱۹	۶/۳
۸	۱۳	۸	۱۰	۱۰	۱۳	۱۰	۱۱	۱۴	۱۵	۱۱۶	۱۱/۶	۱۸	۶/۴
۹	۱۲	۸	۸	۱۴	۱۷	۱۵	۱۶	۱۶	۱۷	۱۳۹	۱۳/۹	۱۸	۴/۱
۱۰	۱۵	۱۳	۸	۱۳	۱۷	۷	۷	۱۶	۱۵	۱۲۱	۱۲/۱	۱۸	۵/۹
میانگین روابط	۱۲/۷	۴/۱۲	۱۱/۵	۱۱/۴	۱۱/۷	۱۲/۸	۱۳/۶	۱۶/۲	۱۶/۴	۴۹/۱۳	۱۳/۴۹	۱۸/۶۶	۵/۱۷
۱۱	۱۰	۶	۸	۱۱	۱۶	۱۱	۱۱	۱۳	۱۷	۱۱۱	۱۱/۱	معلوم نیست	-
۱۲	۱۶	۱۷	۱۸	۱۶	۱۸	۱۳	۱۳	۱۶	۱۸	۱۶۱	۱۶/۱	۱۸	۱/۹
۱۳	۱۷	۱۶	۱۶	۱۶	۱۷	۱۰	۱۴	۱۶	۱۶	۱۵۸	۱۵/۸	۱۸	۲/۲
۱۴	۱۸	۱۸	۱۴	۱۲	۱۸	۱۷	۱۲	۱۶	۱۷	۱۴۹	۱۴/۹	۱۸	۳/۱
۱۵	۱۲	۱۰	۱۶	۱۶	۱۷	۱۷	۱۶	۱۶	۱۷	۱۴۲	۱۴/۲	۱۹	۴/۸
۱۶	۸	۸	۸	۸	۱۷	۸	۱۶	۱۶	۱۷	۱۲۳	۱۲/۳	۱۸/۵	۷/۶
۱۷	۱۹	۱۹	۱۸	۱۷	۱۷	۱۷	۱۵	۱۸	۱۸	۱۶۸	۱۶/۸	۱۹	۲/۲
۱۸	۱۹	۱۴	۱۶	۱۵	۱۹	۱۷	۱۵	۱۹	۱۹	۱۶۶	۱۶/۶	۱۸	۱/۴
۱۹	۱۷	۱۲	۱۸	۱۶	۱۷	۱۶	۱۶	۱۷	۱۸	۱۶۵	۱۶/۵	۱۸	۱/۵
۲۰	۱۹	۱۹	۱۸	۱۹	۱۸	۱۹	۱۸	۱۹	۱۸	۱۸۶	۱۸/۶	۱۹	۰/۴
میانگین سیاسی	۱۵/۵	۹/۱۳	۱۴/۴	۱۴/۹	۱۴/۶	۱۴/-	۱۴/۶	۱۶/۶	۱۷/۵	۱۵۲/۹	۱۵/۲۹	۱۸/۳۸	۳/۰۹
میانگین کل	۱۴/۱	۱۱/۵	۹/۵	۱۱/۵	۱۱/۵	۱۳/۴	۱۴/۱	۱۶/۴	۱۶	۲۸۷/۸	۱۴/۳۹	۱۸/۵۲	۱/۱
		۱۳	۱۲	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۳	۱۶				۱۴

پژوهشنامه علوم سیاسی • شماره ۵ • پاییز ۱۳۸۵

در رابطه با داده‌های این جدول و ترتیب تنظیم آن توضیح چند نکته لازم است:  
 ۱- ترتیب قرار گرفتن عناصر دهگانه در این جدول بر ۲ پیش فرض استوار است  
 الف- این ترتیب منطقی است، یعنی پژوهشگر نمی‌تواند بدون برداشتن گام قبلی، گام بعدی را بردارد و ب- چگونگی برداشتن گام قبلی در کیفیت گام بعدی مؤثر است.

۲- هریک از عناصر ملاک روی مقیاس ده درجه‌ای سنجیده شده و نتیجه حاصل در عدد دو ضرب گردیده تا براساس معیار رایج ۲۰ نمره‌ای در ستون‌های جدول ثبت شود.

۳- قرارداد «چگونگی بیان مسأله پژوهش» قبل از بقیه و براساس پیش‌فرض ب بدین معناست که چگونگی برداشتن این گام در تمامی گام‌های بعدی روش‌شناختی (گام‌های ۱ تا ۵ و ۷ و ۸) مؤثر است.

۴- ردیف‌های ۱ تا ۱۰ جدول نمایانگر داده‌های حاصل از بررسی پایان‌نامه‌های دوره دکترای رشته روابط بین‌الملل است و داده‌های مربوط به بررسی پایان‌نامه‌های رشته علوم سیاسی در ردیف ۱۱ تا ۲۰ قید شده است. برای امکان‌پذیر کردن مقایسه این دو گروه از پایان‌نامه‌ها با یکدیگر، میانگین داده‌های هر گروه در انتهای ستون‌های مربوطه ذکر شده است و در آخرین ردیف نیز میانگین کل داده‌های هر ستون آمده است. ستون‌های ۱ تا ۱۴ به ترتیب امتیاز هریک از پایان‌نامه‌ها، میانگین آنها، نمره تعیین شده به وسیله هیئت ژوری و بالاخره تفاوت میان میانگین به دست آمده با کاربرد این ملاک بررسی شده و نمره تعیین شده به وسیله هیئت ژوری آمده است.

۵- داده‌های جدول شماره ۲ را به شیوه‌های فراوان می‌توان مورد تجزیه و تحلیل قرارداد. در این بررسی جهت رعایت محدودیت فضای تعیین شده، تنها چند مورد تجزیه و تحلیل مناسب با هدف این پژوهش صورت گرفته است

۶- پایان‌نامه‌های مورد بررسی با اعداد ۱ تا ۲۰ در نخستین ستون جدول شماره ۲ معرفی شده‌اند و مشخصات کامل آنها و اسامی هیئت‌های ژوری نزد نگارنده محفوظ است.

### تجزیه و تحلیلی از داده‌های مندرج در جدول شماره ۲

#### الف- جایگاه عناصر دهگانه در تعیین نمره نهایی پایان‌نامه‌های مورد بررسی

از ده عنصر ملاک این بررسی، سه عنصر «اعتبار منابع داده‌ها»، «رعایت ترتیب و تناسب در سازماندهی پژوهش» و «رعایت قواعد شکلی در نگارش گزارش پژوهش» (ستون‌های ۶، ۹ و ۱۰ جدول)، عناصر ساختاری و شکلی هستند و بقیه عناصر را می‌توان عناصر روش‌شناختی نامید. قوی‌ترین و ضعیف‌ترین پایان‌نامه‌ها (ستون‌های ۲۰ و ۱۱ جدول) با میانگین‌های ۱۸/۶ و ۷/۵ (نمره  $7/5 = 11/1 - 18/6$ ) در

میانگین تفاوت دارند. بیشترین تفاوت نمرات آنها در بررسی ادبیات و نظرات موجود، ۱۳ نمره ( $13 = 19 - 6$ ) و کمترین تفاوت آنها تنها ۱ نمره ( $1 = 17 - 18$ ) می‌باشد؛ آن‌هم در رعایت قواعد شکلی در نگارش گزارش پژوهش. میانگین نمرات این دو پایان‌نامه در سه عنصر ساختاری و شکلی به ترتیب  $17/66$  و  $15/33$  با تفاوت  $2/33$  ( $2/33 = 17/66 - 15/33$ ) است درحالی‌که تفاوت میانگین کل آنها ( $7/5$ ) سه برابر بیشتر است. این خود نشان می‌دهد جنبه‌های شکلی پایان‌نامه‌های قوی و ضعیف تفاوت چندانی با هم ندارند. در مقایسه با تفاوت میان میانگین‌های عناصر روش‌شناختی آنها که به ترتیب  $18/71$  و  $9/28$  می‌باشند به اختلاف فاحش  $9/43$  ( $9/43 = 18/71 - 9/28$ ) پی می‌بریم که بیش از ۴ برابر اختلاف آنها در عناصر شکلی است و این بدان معناست که ظاهرآرایی در داوری این پایان‌نامه‌ها نقش مؤثری داشته است.

تحلیل داده‌های جدول شماره ۲ به روش دیگری این یافته را تأیید می‌کند. بر پایه داده‌های جدول فوق، میانگین کل ۲۰ پایان‌نامه مورد بررسی  $14/39$  می‌باشد. ۱۰ پایان‌نامه میانگین بالاتر و ۱۰ پایان‌نامه هم میانگین پایین‌تر از میانگین کل دارند. میانگین مشترک گروه اول در سه عنصر شکلی  $17/46$  و میانگین مشترک گروه دوم در همان عناصر  $17/1$  و با تفاوت ناچیز  $0/36$  ( $0/36 = 17/46 - 17/1$ ) به سود گروه اول می‌باشد؛ درحالی‌که میانگین‌های این دو گروه در عناصر روش‌شناختی به ترتیب  $16/12$  و  $12/66$  و با تفاوت چشم‌گیر  $3/46$  ( $3/46 = 16/12 - 12/66$ ) است که بازهم اثر ظاهرآرایی در تعیین نمره داوری را نمایان کرده و گویای آن است که بیشترین نمره پایان‌نامه‌های ضعیف از ظاهرآرایی به دست می‌آید. این بررسی تا اینجا نشان می‌دهد عناصر شکلی-ساختاری مستقل از عناصر روش‌شناختی هستند، ولی عناصر روش‌شناختی آشکارا متأثر از یکدیگر می‌باشند و به‌ویژه از چگونگی برداشتن گام نخست اثر می‌پذیرند. میانگین مشترک ۱۰ پایان‌نامه قوی‌تر در بیان مسئله پژوهش  $16/6$  و میانگین مشترک ۱۰ پایان‌نامه ضعیف‌تر در همان عنصر  $11/6$  و با تفاوت معنا دار، ۵ ( $5 = 16/6 - 11/6$ ) می‌باشد. از طرف دیگر، اثرگذاری عناصر روش‌شناختی بر یکدیگر را از میزان اختلاف آنها نیز می‌توان استنتاج کرد. همچنان‌که جدول شماره ۲ نمایان می‌سازد میانگین مشترک ۲۰ پایان‌نامه مورد بررسی در عناصر هفتگانه روش‌شناختی عبارتند از  $13/15$ ،  $12/95$ ،  $13/15$ ،  $13/15$ ،  $13/4$  و  $14/1$  که تفاوت بیشترین و کمترین آنها در حد عدد ۱ ( $1 = 14/1 - 13/95$ ) می‌باشد.



ب- مقایسه میانگین عناصر دهگانه با یکدیگر و با میانگین کل

داده‌های مندرج در ستون‌های ۱ تا ۱۰ جدول شماره ۲ نمایانگر وضعیت هریک از پایان‌نامه‌ها در هر یک از عناصر دهگانه ملاک این بررسی می‌باشد. در انتهای هر ستون که به این عناصر اختصاص دارد، میانگین آن ستون نیز قید شده است تا علاوه بر مقایسه وضعیت هریک از این پایان‌نامه‌ها با یکدیگر، نقاط قوت و ضعف آنها را نشان دهد. میانگین‌های ستون‌های دهگانه همراه با تفاوت نمره قوی‌ترین و ضعیف‌ترین پایان‌نامه در آن عنصر در جدول شماره ۳ به صورت زیر مشخص شده است:

جدول شماره ۳: مقایسه میانگین در عناصر دهگانه ملاک بررسی

عناصر دهگانه ملاک بررسی	میانگین پایان‌نامه‌های بیستگانه در هر یک از عناصر	تفاوت نمره قوی‌ترین و ضعیف‌ترین پایان‌نامه
۱- چگونگی بیان مسئله پژوهش	۱۴/۱	۱۹-۱۰=۹
۲- چگونگی بررسی ادبیات و نظرات موجود	۱۳/۵	۱۹-۶=۱۳
۳- میزان وضوح هدف پرورش و حدود آن	۱۲/۹۵	۱۹-۸=۱۱
۴- تناسب روش با موضوع پژوهش	۱۳/۱۵	۱۸-۸=۱۰
۵- کاربست روش با موضوع پژوهش	۱۳/۱۵	۱۹-۸=۱۱
۶- کمیت و کیفیت منابع داده‌ها	۱۶/۸	۱۹-۱۳=۶
۷- روایی نتیجه‌گیری از تحلیل داده‌ها	۱۳/۳۵	۱۹-۸=۱۱
۸- وضوح یافته‌ها و پیامد آنها	۱۴/۱	۱۸-۷=۱۱
۹- رعایت ترتیب و تناسب در سازماندهی پژوهش	۱۶/۴	۱۹-۱۲=۷
۱۰- رعایت قواعد شکلی در نگارش گزارش پژوهش	۱۶/۹۵	۱۹-۱۵=۴
۱۱- میانگین ستون‌ها	۱۴/۳۹	۱۸۸-۹۶=۹۲: ۱۰=۹/۲

جدول فوق بیانگر آن است که بیشترین اختلاف نمره در عناصر دهگانه، مربوط به چگونگی بررسی ادبیات و نظرات موجود (۱۳=۱۹-۶) و کمترین اختلاف مربوط به رعایت قواعد شکلی در نگارش پایان‌نامه مورد بررسی (۴=۱۹-۱۵) می‌باشد.

بنابراین می‌توان گفت توجه به شکل و ساختار به وسیله داوران، سبب نادیده گرفتن تفاوت میان پایان‌نامه‌های قوی و ضعیف می‌گردد. مقایسه عناصر دهگانه با یکدیگر به منظور پی بردن به قوت و ضعف مشترک این پایان‌نامه‌ها نشان می‌دهد ضعیف‌ترین نقطه مشترک آنها در بیان واضح هدف پژوهش و حدود آن (۱۲/۹۵) می‌باشد و قوی‌ترین نقطه مشترک نیز با میانگین ۱۶/۹۵ در میزان رعایت قواعد شکلی در نگارش آنهاست. در مقام مقایسه میانگین پایان‌نامه‌های مورد بررسی در هریک از عناصر دهگانه با میانگین این میانگین‌ها (۱۴/۳۹) معلوم می‌شود بیشترین انحراف از میانگین‌ها به میزان ۲/۵۶ مربوط به رعایت قواعد شکلی ( $۱۶/۹۵ - ۱۴/۳۹ = ۲/۵۶$ ) است و کمترین انحراف به مقدار ۰/۲۹ ( $۱۴/۳۹ - ۱۴/۱ = ۰/۲۹$ ) مربوط به گام نخست یا چگونگی بیان مسئله پژوهش می‌باشد و اهمیت این گام را در امر پژوهش نمایان می‌سازد که بسیار منطقی نیز هست چراکه اگر بپذیریم پژوهش یعنی جستجوی پاسخ به پرسش یا پرسش‌ها، طبیعی است اگر خود پرسش مشخص و معلوم نباشد نمی‌توان برای آن پاسخی پیدا کرد. در واقع بدون داشتن پرسشی مشخص، جستجو برای پاسخ آن، امر بیهوده‌ای بیش نخواهد بود. اگر عناصر سه‌گانه ساختاری - شکلی را نادیده بگیریم می‌توانیم به ارتباط بسیار نزدیک عناصر روش‌شناختی با یکدیگر، به ویژه ارتباط با چگونگی بیان مسئله پژوهش آشکارا پی ببریم. میانگین میانگین‌های عناصر هفتگانه روش‌شناختی ۱۳/۴۷ است که بیشترین انحراف از این میانگین در میان عناصر روش‌شناختی به میزان تنها ۰/۵۲ و مربوط به میزان وضوح هدف پژوهش و حدود آن ( $۱۳/۴۷ - ۱۲/۹۵ = ۰/۵۲$ ) است که بازهم اثرپذیری عناصر روش‌شناختی از یکدیگر را نمایان می‌سازد.

### مقایسه نتیجه حاصل از داوری با ملاک این بررسی با

#### داوری هیئت‌های ژوری پایان‌نامه‌ها

بر پایه داده‌های جدول شماره ۲ میانگین کل پایان‌نامه‌های مورد بررسی با روش این پژوهش، ۱۴/۳۹ و براساس داوری هیئت‌های ژوری ۱۸/۵۲ می‌باشد که تفاوت چشمگیر چهار و سیزده صدم ( $۱۸/۵۲ - ۱۴/۳۹ = ۴/۱۳$ ) را نشان می‌دهد. بر پایه داوری هیئت‌های ژوری، اختلاف میان قوی‌ترین و ضعیف‌ترین پایان‌نامه‌ها (ردیف‌های ۲۰ و ۸ جدول شماره ۲) تنها یک نمره ( $۱۹ - ۱۸ = ۱$ ) است در حالی که

تفاوت میان آنها براساس این بررسی هفت نمره ( $7 = 11/6 - 18/6$ ) می‌باشد و این واقعیت ناخوشایند را برملا می‌سازد که در ارزیابی هیئت‌های ژوری از این پایان‌نامه‌ها، تفاوت چندانی میان بهترین و بدترین آنها وجود ندارد. در مقام مقایسه نمرات یکایک این پایان‌نامه‌ها با دو روش ارزیابی مورد بحث، نکات جالب دیگری نیز خودنمایی می‌کند. تفاوت قوی‌ترین و ضعیف‌ترین پایان‌نامه‌های در میانگین عناصر هفتگانه روش‌شناختی نه و هفتاد و یک صدم ( $9/71 = 9 - 18/71$ ) و در معدل عناصر سه گانه شکلی سه نمره ( $3 = 15/33 - 18/32$ ) یعنی بیش از سه برابر کمتر است که بازهم نقش موثر ظاهرآرایی در داوری هیئت ژوری را به نمایش می‌گذارد. نقش ظاهرآرایی در جلب توجه هیئت‌های ژوری را از طریق دیگری نیز می‌توان نشان داد. ۵ پایان‌نامه دارای میانگین کل کمتر از ۱۳ ولی با معدل گروهی بالاتر از ۱۵ توانسته‌اند از هیئت‌های ژوری نمرات ۱۸ به بالا بگیرند ولی گویاتر از همه مقایسه وضع قوی‌ترین و ضعیف‌ترین پایان‌نامه‌ها در رعایت قواعد شکلی و نتیجه داوری هیئت‌های ژوری است. این دو پایان‌نامه در رعایت قواعد شکلی تنها سه نمره و در داوری هیئت ژوری تنها یک نمره با هم اختلاف دارند.

#### ت- مقایسه پایان‌نامه‌های رشته‌های روابط بین‌الملل و علوم سیاسی

میانگین کل ۱۰ پایان‌نامه رشته روابط بین‌الملل (ردیف‌های ۱ تا ۱۰ جدول ۲)  $13/49$  و میانگین کل ۱۰ پایان‌نامه رشته علوم سیاسی (ردیف‌های ۱۱ تا ۲۰ جدول ۲)  $15/29$  می‌باشد که با تفاوت  $1/8$  به سود پایان‌نامه‌های علوم سیاسی است. میانگین گروهی ۷ عنصر روش‌شناختی پایان‌نامه‌های روابط بین‌الملل  $12/28$  می‌باشد و از آن پایان‌نامه‌های رشته علوم سیاسی  $14/55$  و با تفاوت قابل ملاحظه دو و هفت صدم ( $2/27 = 12/28 - 14/55$ ) بازهم به سود پایان‌نامه‌های رشته علوم سیاسی است و این واقعیت را نشان می‌دهد که دانشجویان رشته علوم سیاسی در کاربرد عناصر روش‌شناختی در پژوهش خود بهتر از دانشجویان روابط بین‌الملل عمل کرده‌اند و این امر در بالاتر بودن میانگین گروهی آنها نقش عمده‌ای بازی کرده است. میانگین گروهی پایان‌نامه‌های رشته‌های روابط بین‌الملل و علوم سیاسی در ۳ عنصر شکلی به ترتیب  $16/26$  و  $18/33$  با تفاوت حدود ۲ نمره به سود پایان‌نامه‌های علوم سیاسی را نشان می‌دهد که اندکی کمتر از تفاوت این دو گروه در زمینه روش‌شناختی است. میانگین نمرات تعیین‌شده به وسیله هیئت‌های ژوری برای پایان‌نامه‌های رشته روابط

بین‌الملل ۱۸/۶۶ و برای پایان‌نامه‌های رشته علوم سیاسی ۱۸/۳۸ بوده و تفاوت اندکی را به‌سود پایان‌نامه‌های روابط بین‌الملل بازگو می‌کند ولی با توجه به اینکه پایان‌نامه‌های رشته علوم سیاسی به‌صورت گروهی در هر دو دسته از عناصر روش‌شناختی و شکلی قوی‌تر از پایان‌نامه‌های رشته روابط بین‌الملل می‌باشند میتوان نتیجه گرفت ارفاق هیئت‌های ژوری درمورد پایان‌نامه‌های رشته روابط بین‌الملل بیش از پایان‌نامه‌های علوم سیاسی بوده است. در رشته روابط بین‌الملل بیشترین ارفاق هیئت ژوری در مورد پایان‌نامه شماره ۵ جدول ۲ بوده به‌نحوی که این پایان‌نامه با میانگین  $۱۱/۷$  توانسته از هیئت ژوری نمره  $۱۸/۵$  و با تفاوت شش و هشت دهم ( $۱۸/۵ - ۱۱/۷ = ۶/۸$ ) به‌دست آورد. در رشته علوم سیاسی این ارفاق حداکثری در مورد پایان‌نامه شماره ۱۶ در جدول ۲ صورت گرفته است. این پایان‌نامه نیز با میانگین  $۱۲/۳$  موفق به دستیابی به نمره  $۱۸/۵$  با ارفاق شش و دو دهم ( $۱۲/۳ = ۶/۲ - ۱۸/۵$ ) از هیئت ژوری شده است.

در مقام مقایسه، میانگین کل ۲۰ پایان‌نامه مورد بررسی با ملاک این پژوهش و روش داوری هیئت‌های ژوری به اعداد  $۱۴/۳۹$  و  $۱۸/۵۲$  برمی‌خوریم که نشان می‌دهد: ۱- در تمام موارد، نمره تعیین شده به‌وسیله هیئت‌های ژوری بالاتر از نمره حاصل از کاربرد ملاک این پژوهش است ۲- میانگین ارفاق هیئت‌های ژوری رقم قابل ملاحظه چهار و سیزده صدم ( $۴/۱۳ = ۱۴/۳۹ - ۱۸/۵۲$ ) را نشان می‌دهد و ۳- این ارفاق در مورد پایان‌نامه‌های روابط بین‌الملل پنج و هفده صدم ( $۵/۱۷ = ۱۳/۴۹ - ۱۸/۶۶$ ) و در مورد پایان‌نامه‌های علوم سیاسی سه و نه صدم ( $۳/۰۹ = ۱۵/۲۹ - ۱۸/۳۸$ ) بوده است.

### نتیجه یافته‌های این پژوهش

نتایج یافته‌های این بررسی کوتاه را می‌توان به‌صورت زیر بیان کرد:

- ۱- در ارزیابی ۲۰ پایان‌نامه مورد بررسی ملاک مشخصی به‌وسیله هیئت‌های ژوری به‌کار نرفته است.
- ۲- ارزش پژوهشی این پایان‌نامه‌ها عموماً نادیده گرفته شده، به‌طوری که تفاوت میان بهترین و بدترین پایان‌نامه در ارزیابی‌های هیئت‌های ژوری از  $۱/۵$  تجاوز نمی‌کند.

- ۳- در اغلب موارد ضعیف‌ترین پایان‌نامه‌ها نمره بسیار بالایی کسب کرده‌اند.
- ۴- اساتید جوان‌تر بیش از اساتید قدیمی، دانشجویان تحت راهنمایی خود را وادار به رعایت اصول پژوهش کرده‌اند.
- ۵- رعایت روابط همکاری میان اساتید نیز در داوری این پایان‌نامه‌ها بی‌تأثیر نبوده است.
- ۶- تقریباً در تمامی موارد، ارائه نسخه نهایی پایان‌نامه‌ها در آخرین روزهای مهلت تعیین شده، بررسی دقیق این پژوهش‌ها را از اعضای هیئت‌های ژوری سلب کرده است.
- با توجه به یافته‌های بالا پیشنهاد می‌شود.
- ۱- معیار مشخصی برای ارزیابی کارهای پژوهشی تدوین گردد و معیار به‌کار رفته در این پژوهش هم می‌تواند به‌عنوان یک پیشنهاد مورد بررسی صاحب‌نظران قرار گرفته و پس از اصلاح و اجماع، در انجام امر پژوهش و داوری آنها به‌کار بسته شود.
  - ۲- پژوهشگران به‌ویژه دانشجویان موظف به ارائه نسخه نهایی پایان‌نامه خود به اعضای هیئت ژوری، دست‌کم دو ماه قبل از مطرح شدن در جلسات دفاع باشند.
  - ۳- داوران نظرات اصلاحی خود را به‌طور صریح و کارآمد و به‌صورت کتبی بیان کنند تا پژوهشگران ایراد وارده را دقیقاً درک کرده و بتوانند اصلاح کنند.
  - ۴- برقراری دوره‌های کوتاه‌مدت برای آشنایی اساتید با آخرین روش‌ها و ابزارهای پژوهش می‌تواند بسیار مفید باشد.
  - ۵- در نهادهای آموزش عالی در کنار تدریس روش‌های پژوهش به‌صورت نظری، واحدهایی جهت تشریح کاربست عملی این روش‌ها نیز برقرار گردد.
  - ۶- روش مشخص ارزیابی درباره هر نوشته علمی - پژوهشی به‌کار بسته شود.

1. ward S. Becker Epistemology of Qualitative Research (Chicago: University of Chicago press, 1996)

۲. برای اطلاع بیشتر از بحث‌های نظری درباره روش پژوهش کیفی بنگرید به:

Robert Bogdan Steven J. Taylor Introduction to Quality Research Methods (New York: Wiley, 1998) (Boston, Ally and Bacon, 1989)

3. Berg, Qualitative Research Methods for the Social Sciences (Boston: Allyn and Bacon, 1989)

4. erything Goes.

5. P. Thompson, The Poverty of Theory and Other Assays (London: Merlin, 1978), pp 209-210.

6. heldon Goldenberg, Thinking Methodologically (New York: Harper Collins, 1992), pp 223-35.

7. net Buttolph Johnson, Political Science Research Methods (2nd ed. Washington, D.C.: Congressional Quarterly pres, 1991, pp 61-9)